

تأپیروزی حزب الله عراق

رادیو تلویزیون شروع کردند به شیور زدن که عملیات بزرگ محرم آغاز شد.

روزنامه ها تیر درشت زدند که زدیم و کشتیم و داغان کردیم و دیگر به دروازه بغداد رسیده ایم و صدام دارد فرار می کند. بعد یک رقم در اصفهان ۵۰۰ کشته سوغاتی آوردند. قطعه ۲۹ بنشت زحرا هم آباد شد. و در آخر کار فهمیدیم که پس از ۲۷ ماه جنگ تازه رسیده اند سرجای اولشان. اما هنوز توجه می خوانند که به کربلا می رویم به کربلا می رویم. برای رژیم جمهوری اسلامی پیروزی یعنی روی کار آمدن مجلس اعلای اسلامی که اصلش همان حزب الدعوة یعنی حزب الله عراق است. تازه اینهم اول صدور انقلاب اسلامی است چونکه خمینی که خود را امام زمان میدانند به کمتر از خلافت جهانی اسلام رضایت نمی دهد. بعد هم لابد باید به بیانه خوب خوردن حاجی های حزب اللهی در حج، مکه و مدینه را از دست فید در بیاورند و بدهند دست مثلا حاج آقا احمد آقا. حتما از همین الان آیت الله زاده حکیم توجه خمینی و سخنگوی مجلس اعلای اسلامی به خیال خلافت بغداد به مردم عراق وعده می دهد که پول نفت را می برد در خانه هایشان و آب و برق و اتوبوسها را مجاني می کند و گوشت یخی را حرام می داند و به صدام فحش می دهد که گورستانهای عراق را آباد کرده است. برای همین خواب و خیالیا بود که آخوند ها پایشان را در یک کفش کرده اند که صدام که هیچ حزب تبعث باید برود.

این وسط گرفتن غرامت ۱۵۰ میلیارد دلاری که بعضی از مردم به آن دلخوش کرده بودند مالیده شد. راستی چطور شد آخوندهای گردن کلفت که نم پس نمی دهند اینقدر دست و دلباز ندهاند؟ برای اینکه رژیم می داند این حاتم بخشی ها راه دوری نمی رود. و اگر حـرب شیعیان عراق (حزب الدعوة) روی کار بیاید هم به نفوذ سیاسی - مذهبی و هم به امت آیت الله خمینی اضافه می شود. هم دستان به زمین و نفت و منابع طبیعی و اقتصادی عراق می رسد و هم می توانند به اسم سیم امام بول، حرمین کربلا و نجف را بالا بکشند.

ولی ما کارگران و بقیه زحمتکشان هستیم که کمرمان زیر بار جنگ خم میشود.

از کله سحر تا بوق سگ، کار میکنیم، زن و بچه هامان از صبح می روند توی صف گوشت و شیر و تخم مرغ و گاز و ... اسیر می شوند. تازه با این چندر گاز حقوق و مایه گذاشتن از جانتان برای چند ساعت اضافه کاری روزانه نمیتوانیم حرف گوشت کیلویی ۱۱۰ تومان لوبیا کیلویی ۲۵ تومان را بزنیم. و مجبور می شویم برای کمک خرج زندگی با کارهای غیر کارگری بوراتمان را بگذاریم. یا خرت و پرت بگذاریم سرگذر و یا با معامله گری سر دوست و آشنا را کلاه بگذاریم یا از بعضی مهارت بیامان برای راه انداختن یک کار کوچک استفاده کنیم. و یا گردنمان را برای ترضی گرفتن جلوی هر کس و ناکس کج کنیم و تازه تامین کارگری هم نداشته باشیم و سربک حرف جزئی بگذارند مان پشت در تازه اگر شانس بیاوریم و مثل کارگران چاپخانه اطلاعات سراز اوین در بیاوریم.

زیر چتر تبلیغات جنگ باید جور کشتار هموطنان کردمان را هم بکشیم که هر روز از زمین و هوا زیر آتش سپاه و بسیج و ارتش ترار دارند. هر چند برای خودمان هم آتش پخته اند که یک وجبروغن دارد. آنهم قانون کار اسلامی جدید است که بر اساس آن کارگر را استخدام نمی کنند بلکه اجاره می کنند. کارگر اجاره ای هم که بازنشستگی ندارد.

آخوندتایی که فقط بلدند سهم امام و خمس و زکات بگیرند و روضه بخوانند از کار و کار و تولید بیشرفته سر در نمی آورند. نه به فکر ما هستند و نه به فکر تولید کارخانه ای ما. ولی که هر یکند تولید زمان شاه را می توانند عموماً ادامه بدهند و شکری برای منعی کردن تولید نمی توانند بکنند. این بی برنامه گی برای تولید پیشرفته و نفهمیدن تکنیک باعث می شود که خمینی بگوید جنگ را الله و اکبر حو می برد. و فوج فوج تشونش را روانه کنند تا سوی کد های توپخانه عراق گیر کنند تا کجا ایشان در قیر فرو برود، در خندق های آب شتر آبی خشکان کند و در میدانهای مین در هوا ببرد و در مثلشهای عراقی مثل گوسفست قربانی که پاره بشوند. تازه اسم اینرا می گذارند تاکتیک جنگی.

با هر تاکتیک های جنگی به گریلا که سبیل است به شاد و العظیم هم نمی توانند بروند. با همه این حرفها اکثر کارگران دیگر برای فتوای خمینی تره هم خرد نمی کنند و با ترشت و بواشکی نفس دادن به سران حکومتی و انجمنی ها و دل سوزاندن برای کشته ها مخالفت خود را با جنگ و سیاست حزب الله نشان می دهند. ولی پییر از حزب اللهی ها ، بسیجی ها و حرفاتی ها که از رژیم و جنگش حمایت می کنند، عده دیگری با اینکه در جنگ شرکت نمی کنند اما چون فکر می کنند صدام باعث جنگ و کشتار و ویرانی است بدشان هم نمی آید که مدد گونالی داده شود. دست ای از کارگران هستند که می گویند اگر جنگ تمام شود انقلاب شروع می شود. ولی کارگران مبارز می فهمند تا وقتی رژیم خمینی هست جنگ هم هست و تنها با مبارزه متشکل کارگران و زحمتکشان و با کمک گرفتن از تمام مردمی که با سیاست های جنگ گلسانه و ضد مردمی رژیم مخالفند می توان به جنگ و عمر رژیم خمینی پایان داد.

همین چند وقت پیش شنیدیم که کارگران شاه پسند با اعتصاب خود توانستند سود چهار ماهه خود را بگیرند. ما کارگران با آموختن از مبارزه خود و دیگر کارگران می فهمیم که باید با کارگران حق بگیریم که می خواهند تامین کارگری داشته باشند و زیر بار زور نروند متحد شویم تا با مبارزه دستجمعی خود بتوانیم به حترمان برسیم و سیاست های ضد کارگری و جنگ گلسانه رژیم را افشاء کنیم. مبارزه ما برای گرفتن حقوق کارگریمان مبارزه ایست برای تنگ کارگری مان و مبارزه ایست در راه پایان گرفتن جنگ.

" با اتحاد در میان خود و با اتحاد با بقیه مردم مخالف جنگ، سیاست های جنگ، طلبانسه و ضد مردمی رژیم را افشاء کنیم "

" با اتحاد و تشکل خود حاکمیت حزب الله و بدبختی خلقی الله را در هم شکنیم "